



مهدی قبروند پژوهشگر و نویسنده کتاب «نشریات تبریز»

تبریز، کانون مطبوعات ایران در دوره مشروطه

یکی از مهم‌ترین تحولات عصر صنعتی (نه تنها در جوامع صنعتی)، سر بردن رسانه‌های همگانی به‌عنوان یک قدرت سیاسی عمده است؛ ظهور و صعود رسانه‌های همگانی به‌عنوان یک پایگاه قدرت و نفوذ کنونی‌شان در واقع معلول بعضی پیشرفت‌های پسر سرو صدا و پی‌درپی در عرصه تکنولوژی بود. روزنامه‌ها از اطلاعات و خبرنامه‌های چاپی در دهه ۱۷۰۰ میلادی ریشه می‌گیرند. فقط از اواخر سده نوزدهم به بعد بود که روزنامه‌ها به‌صورت روزانه چاپ شدند و ده‌ها هزار خواننده پیدا کردند. تاریخچه رسانه‌های همگانی را معمولاً با نخستین روزنامه‌های ارزان قیمت شروع می‌کنند که ابتدا در سال ۱۸۳۰ میلادی در نیویورک پدید آمدند. انتشار روزنامه در ایران به تقلید از نیای غرب و بدون توجه به هویت فرهنگ ملی و صرفاً در چارچوب مصالح و خواسته‌های رژیم استبدادی انجام شد. مشخصه روزنامه‌نگاری در این دوره که ۷۰ سال طول کشید، ایجاد زمینه پروپاگاندا در مورد دستگاه حکومتی برای موجه و مشروع جلوه دادن فعالیت‌های دولت و به عبارت دیگر ایجاد یک شیوه نوار تباطی میان دولت و ملت مبتنی بر بلوف رسانه‌ای به‌منظور سرپوش گذاشتن بر ضعف‌های سیستم حکومتی و نابسامانی‌های آن بود. تاریخ دربار به‌عنوان شاه قاجار، اولین حامی روزنامه در ایران می‌نویسد که در دوران سلطنت او برای اولین بار سفرای روس و انگلیس در کار سلطنت دخالت کامل و مستقیم کردند. در زمان او ایران بیش از پیش راه انحطاط و تنزل را پیمود؛ زیرا وی مردی بی‌کفایت و خرافاتی بود. وزیر لایق خود قائم‌مقام فراهانی را کشت و حاج میرزا آقاسی را که بیش از خود او بی‌کفایت بود به‌صورت منسوب کرد.



نشریات تبریز در دوره قبل از مشروطه

قریب به ۱۶۰ سال از انتشار اولین روزنامه در تبریز می‌گذرد؛ تبریز در این عهد، پایتخت دوم و مرکز تحولات اقتصادی و فرهنگی کشور به‌شمار می‌رفت و دارالسلطنه تبریز، پرجمعیت‌ترین و پر رونق‌ترین شهر ایران بود و بسیاری از مواصلات اقتصادی میان شهرهای ایران و کشورهای خارجی از طریق تبریز انجام می‌گرفت؛ علاوه بر اینها، نخستین دستگاه‌های چاپ در دوره قاجار نیز با حمایت و تشویق عباس میرزا ولیعهد، وارد تبریز شده و در آنجا به کار گرفته شد.

به گواهی اسناد تاریخی در سال ۱۲۲۲ق. شخصی موسوم به آقازین‌العابدین تبریزی اسباب و وسایل مختصر باسمه خانه طیبوگرافی، یعنی چاپ حرفی (سربی) را به تبریز آورده، در تحت حمایت عباس میرزا نایب‌السلطنه که در آن زمان حکمران آذربایجان بود، مطبعه کوچکی را برقرار و بعد از مدتی کتابی را موسوم به «فتح‌نامه» تمام کرد. با این حال و به‌رغم چاپ نخستین کتاب به زبان فارسی در تبریز، انتشار اولین روزنامه در شهر تبریز، با فاصله‌ای نزدیک به ۳۰ سال از تهران و ۲۵۰ سال از انتشار نخستین نشریه چاپی جهان به سال ۱۶۰۵م در بلژیک انجام گرفته است؛ همان‌طور که اولین رساله‌ها و کتب چاپ شده به‌منظور مقابله با مشکلات و مضائق رقت‌انگیز پیش‌آمده از طرف دول خارجی چاپ شده بود، نگرش حکومت قاجار به روزنامه‌ها نیز همین گونه و بر همین اساس بود؛ یعنی به روزنامه نه به‌عنوان عاملی برای پیشبرد تحولات و تغییرات در جامعه عقب‌مانده از قافله تمدنی و استعمارزده و نیز روزنامه به‌معنای انعکاس‌دهنده اخبار و رویدادهای جامعه که به‌منزله حربه‌ای برای رفع و رجوع امور و نشان دادن پیشبرد کارها توسط حکومت نگریسته می‌شد و اداره دارالطباعة مبارکه، بر انتشار روزنامه‌های دولتی نظارت می‌کرد. البته در این میان استثناهایی هم وجود داشتند که روزنامه را وسیله‌ای برای آگاهی عموم می‌دانستند؛ امیرکبیر از جمله این استثناها بود: «بنیاد روزنامه‌نگاری فارسی را در عهد ناصری، امیرکبیر گذارد و امیر با وقوف به روحیه شاه، به شکلی که وی به این نهاد اطلاع‌رسانی حساس نشود، کار را به سامان رساند...».

در دوران سلطنت ناصرالدین شاه و به‌ویژه در عصر صدارت امیرکبیر، تبریز از لحاظ فرهنگی بسیار پیشرفت کرد. احداث شبکه تلگراف و ایجاد چاپخانه‌هایی در تبریز که منجر به انتشار اولین نشریات در این شهر شد، از جمله فعالیت‌های

مهم فرهنگی بود که سبب اشاعه افکار و اندیشه‌های نو و بدیع در این شهر شد. در عهد ناصرالدین شاه بیشترین شمارگان فروش روزنامه به تهران و تبریز تعلق می‌گرفت. هنگامی که شب‌نامه در تبریز چاپ شد، ناصرالدین شاه هنوز سلطنت می‌کرد.

با ظهور روزنامه‌های چاپ خارج از کشور که بیشتر آنها وجهه روشنگرانه و انتقادی داشتند، تحولی جدید و اساسی در عرصه روزنامه‌نگاری ایران رخ داد؛ بزرگان از شهر تبریز، در این تحول تاریخی سهیم بودند؛ روزنامه‌هایی چون «اختر» و «شمس»، چاپ استانبول و حکمت و پرورش چاپ قاهره، از جمله روزنامه‌هایی بودند که اکثر نویسندگان و همکاران آن تبریزی و آذربایجانی بوده و نقشی مهم در تحول و بیداری ایرانیان ایفا می‌کردند؛ «اختر» را آغازگر مطبوعات برون‌مرزی آزاد و پدر روزنامه قانون به حساب آورده‌اند، زیرا که همین روزنامه بود که از قانون و قانون‌خواهی سخن به میان آورد.

با ادامه تحولات اجتماعی که ره مشروطه می‌پیمود، بر تعداد روزنامه‌خوانان و شمارگان روزنامه‌ها افزوده می‌شد؛ افزایش میزان آگاهی‌های عمومی و تغییرات در ساختار قدرت، پس از ترور ناصرالدین شاه قاجار، جراید از آزادی قلم و گستردگی حوزه بحث برخوردار شدند. روزنامه‌ها بیش از گذشته به مسائل اجتماعی پرداختند و رقابت رجال دربار با یکدیگر، روزنامه‌ها را به عرصه کشمکش‌های سیاسی سوق داد.

در این دوره روزنامه‌هایی چون حدید، کمال، احتیاج، اقبال، ادب و... به همت آزادی‌خواهان به نامی چون علیقلی خان صفروف، میرزا حسین خان عدالت و حسین طبیب‌زاده در تبریز چاپ و منتشر شد که نقشی به‌سزا در ایجاد بیداری در میان مردم تبریز ایفا کرد.

در جریان مبارزات مشروطه‌خواهی، ادبیات ایران به‌صورت یک ادبیات سیاسی و پرخاشگر، نه در

قالب کتاب، بلکه در قالب روزنامه و مجله متبلور شد و روزنامه‌نگاری آینه تمام‌نمای ادبی آن دوره شد. گویا ارتباط نزدیکی میان سوسیال دموکرات‌های تبریز با گنورگی بلخانوف و کارل کائوتسکی وجود داشت. در این دوره، انجمن‌های مخفی با انتشار شب‌نامه به افشاکاری می‌پرداختند و به موازات روزنامه‌های انتقادی خارج از ایران، در روشنگری مردم موثر بودند؛ هرچند لحن شب‌نامه‌ها بسیار تند و گزنده بود.

مطبوعات تبریز در دوره پس از امضای فرمان مشروطه و امضای فرمان مشروطیت در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی، منجر به ایجاد دگرگونی‌های بنیانی در فضای سیاسی ایران شد و مطبوعات به‌عنوان رکن چهارم مشروطیت و ابزاری برای شناخت و سنجش آزادی به‌شمار آمد و شور و شوق ناشی از تحولات مثبت و تاسیس نهادهای دموکراتیک در ایران، مطبوعات را عمیقاً متحول کرد.

اخذ امتیاز روزنامه آزاد و تاکید بر درج «هرگونه مقالات مفید... به آزادی قلم مخصوص و ممتاز» (بخشی از دست‌نوشته مظفرالدین شاه برای ایجاد روزنامه مجلس) آغاز خوبی برای پایه‌گذاری یک نظام مطبوعاتی آزاد بود.

در این دوره، تبریز همچنان به سنت‌های قبل از انقلاب خود وفادار باقی ماند؛ این بار انجمن‌ها و مدارس، پیشگامان انتشار روزنامه شدند. با پیروزی مشروطیت و شور و شوقی که در تبریز ایجاد شده بود، مشروطه‌خواهان به تاسیس انجمن‌های فرعی، ایجاد مدارس، انتشار روزنامه تشکیل دسته مجاهدان و سایر فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و نظامی در محله خود پرداختند. به دنبال اختلاف‌ها که بین مشروطه‌خواهان و مخالفان مشروطیت پیدا شد، مخالفان مشروطه برای مقابله با فعالیت‌های